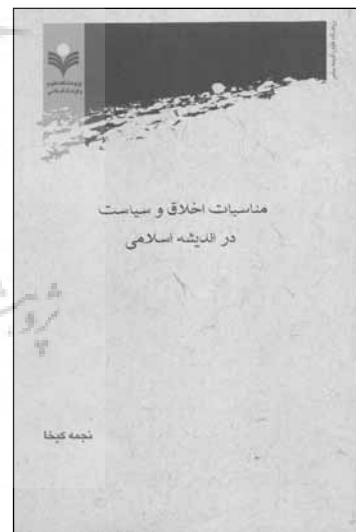


مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی

موضوع کتاب

این کتاب، نوشتاری است در حوزه حکمت عملی که تلاش دارد با روشی نوین، ارتباط بین دو حوزه اخلاق و سیاست را در دوره‌های مختلف اسلامی بررسی و تبیین کند. اثر حاضر به پژوهش در باب دو مفهوم بحث‌انگیز در اندیشه سیاسی پرداخته است. اهمیت هم‌زمان اخلاق در اندیشه سیاسی و در آموزه‌های اسلامی به عنوان عاملی مهم در نیل به سعادت فرد و جامعه در کنار نقش سیاست در تنظیم حیات جمعی، نیازمند فهم چگونگی مناسبات این دو و تنظیم دقیق ارتباط و همکاری میان آن‌ها است. در این صورت نه سیاست که در حکومت اسلامی داعیه تأمین محیط سالم برای گسترش و رشد اخلاق را دارد از آموزه‌های اخلاقی تهی خواهد شد و نه اخلاق حیطه‌ای منفک و جدا از زندگی جمعی خواهد گردید. چنین اهمیتی باعث اندیشه‌ورزی‌های فراوان در باب مناسبات اخلاق و سیاست در طول تاریخ بوده است. پژوهش حاضر بر آن است این مسئله را در شرایط و زمانه معاصر مورد ارزیابی قرار دهد.



درباره ساختار کتاب

در بخش اول کتاب، مفاهیم اخلاق و سیاست و چگونگی ارتباط آن‌ها به بحث گذاشته شده و درخصوص الگوی روشی اسکینر مطالبی بیان شده است. دومین بخش، به شرح شرایط اجتماعی - اخلاقی و فکری در زمانه محقق سبزواری، محقق نراقی و امام خمینی اختصاص یافته است که متناسب با آن، سه دوره تاریخی صفوی، قاجاری و پهلوی از نظر می‌گذرد. در بخش سوم، شرحی از اندیشه سیاسی و اخلاقی سه اندیشمند؛ محمدباقر سبزواری، ملااحمد نراقی و امام خمینی (ره)، پرداخته و مناسبات اخلاق و سیاست در نزد آنان بیان شده است. در چهارمین بخش، تصرفات اندیش‌مندان فوق و سازمان جدیدی که در ارتباط میان اخلاق و سیاست بنا نهاده‌اند بررسی شده و پس از آن، در خاتمه، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث ذکر

نجمه کیخا، مناسبات اخلاق و سیاست در اندیشه اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸

شده آمده است.

دور ندارد. این روش از یک سو نوعی «هرمنوتیک قصد» است که بر نیت و قصد اندیش‌مند تأکید می‌نماید و از سوی دیگر نشان می‌دهد که شرایط زمانه چگونه سبب تحول اندیشه‌ای اندیش‌مند می‌گردد و اندیش‌مند مورد بحث چگونه می‌کوشد نظریات و افکار خود را در جامعه منتشر نماید و باعث تحول گردد. عوامل مؤثر در موفقیت اندیش‌مند و ایجاد مناسبات جدید از سوی وی از جمله ابتکارات این روش محسوب می‌شود. مجموع این عوامل در روشی که کوئنتین اسکینر اتخاذ نموده است وجود دارد و در اثر حاضر این روش مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

ملاحظه

در مقام ملاحظات اجمالی، تنها به بیان مزایا و مطلوبات اثر نسبت به آثار مشابه اکتفا می‌کنیم.

با این‌که اخلاق و سیاست همواره در معرض بحث و بررسی - های اندیش‌مندان بوده است و اندیش‌مندان مطرح در این رشته (سبزواری، نراقی و امام خمینی) نیز از چهره‌های شناخته شده به حساب می‌آیند، با این حال تاکنون به جز آثاری معدود و مختصر در باب اندیشه سیاسی امام خمینی اثری مستقل که اخلاق و سیاست را به گونه‌ای مستقل در اندیشه این بزرگان بررسی نماید منتشر نشده است. از این لحاظ پژوهش فعلی با به کار بستن اسلوبی جدید، به‌ویژه در اتخاذ روش و نیز بررسی اندیش‌مندان برجسته از سه دوره مهم تاریخ اندیشه معاصر، به طور هم‌زمان و مقایسه‌جوه اشتراک و افتراق آن‌ها در موضوع مورد بحث و نیز میزان تأثیرگذاری و ایجاد تحول در جامعه، پژوهشی نو تلقی می‌گردد.

در نظر گرفتن زمینه عملی طرح مباحث اخلاق و سیاست در اندیشه علمای مذکور، از نقاط قوت این اثر است.

این اندیش‌مندان - که هر یک در زمینه طرح مباحث اخلاقی و پرداختن به حوزه سیاست از سرآمدان عصر خویش محسوب می‌گردند - با وجود اشتراک در مبانی اندیشه که از آموزه‌های اسلامی منشأ می‌گیرد، تفاوتی با یکدیگر ندارند، اما یا این‌حال، نوع نگاه و پرداختن آن‌ها به این دو مقوله با یکدیگر متفاوت است. میزان موفقیت آن‌ها نیز بر حسب دست‌یابی آن‌ها به ابزارهای نشر دیدگاه - هایشان و اجرایی کردن نظرات شان متفاوت است. علت این مسئله، که به نوعی پرسش اصلی این اثر است، می‌تواند نتایج جالبی برای دوره کنونی ما داشته باشد. این مسئله به طرح نظریات غنی و مرتبط با پرسش‌های نسل کنونی جامعه و تبدیل آن‌ها به عرف و هنجار عمومی جامعه راه‌گشا است. ■

در ادامه گفتنی است، کتاب حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که: به‌رغم اشتراکات بنیادین در زمینه رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه محقق سبزواری، محقق نراقی و امام خمینی، تفاوت‌های عمده آن‌ها در این زمینه چیست و از کجا ناشی شده است؟ در این راستا می‌توان پرسش‌های خردتری از درون آن طراحی نمود و به مباحثی هم‌چون زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فکری موجود در زمان محقق سبزواری، محقق نراقی و امام خمینی، قصد و غایت آنان از پرداختن به بحث اخلاق و سیاست و اندیشه‌هایی که در این زمینه ارائه نموده‌اند، سازمان جدیدی که برای اخلاق و سیاست تعریف نموده‌اند و تصرفات آن‌ها در این زمینه توجه نمود. در پایان با توجه به الگوی روشی اتخاذ شده در پژوهش، به تعیین این مطلب پرداخت که آیا اندیش‌مندان مذکور توانستند از ابزارهای موجود برای بیان اندیشه خود و ایجاد تحول در جامعه موفق گردند یا نه. و سپس به بحث در خصوص علل این مسئله پرداخته شد.

از میان اندیش‌مندان مذکور، تنها امام خمینی موفق به ایجاد تحول در جامعه گردید. امام خمینی، چنان‌که در یک فصل بیان شده است، توانست سازمان جدیدی در اخلاق و سیاست پدید آورده، حکومت جدیدی بر این مبنا ایجاد کند. این کار با توجه به شرایط عینی داخلی و بین‌المللی و هم‌چنین فناوری‌های نوبی که پدید آمده بود و نیز بر اساس تأملات فکری امام در مباحث فقهی و اجتماعی جامعه حاصل گردید. امام خمینی به خوبی توانست از فرصت‌های به دست آمده بهره‌جوید مانند توان وی در کنترل ابزار ترویج افکار مانند مساجد، حوزه‌های تحصیلی و آموزشی، رسانه‌های جمعی و امثال این‌ها. وی در کنار این‌ها از قدرت بالای دیگری نیز برخوردار بود که عبارت از قدرت مرجعیت است. از فواید بسیار بزرگ این نیرو، نزدیکی و ارتباط نزدیک با مردم بود که در ترویج اندیشه امام در لایه‌های پایین جامعه نقش زیادی ایفا کرد. این قدرت که در زمان دو اندیش‌مند قبلی وجود نداشت، به‌ویژه در ترویج اندیشه اخلاقی و سیاسی امام خمینی که از ناحیه یک مرجع صادر می‌شد نقش مهمی داشت.

شیوه بیان مطالب

از آن‌جا که نگارنده در اثر حاضر در تلاش بوده است تا مناسبات اخلاق و سیاست را با بهره‌گیری از تجارب اندیش‌مندان برجسته اسلامی در عرصه اخلاق و سیاست، کاوش نماید و چگونگی ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر را بر اساس تحولات فکری و سیاسی - اجتماعی زمانه، مورد سنجش قرار دهد، سعی نموده است روشی اتخاذ کند که از سویی ناظر به روش‌های فهم اندیشه بوده و از طرف دیگر، نقش تحولات سیاسی - اجتماعی و اندیشه‌ای جامعه را از نظر